

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه خطبه جمعه

حضرت امير المؤمنين

سیدنا میرزا مسرور احمد ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزیز خلیفہ پنجم حضرت مسیح موعود و امام مہدی علیہ السلام ایراد شدہ در اول فوریه ۲۰۱۹ مصادف با ۱۲ بہمن ۱۳۹۷ در مسجد بیت الفتوح لندن

ذکر خیر پرفسور سعود احمد خان بزرگوار و محترم خدمتگار قدیمی جماعت بر موقع وفاتش و ستایش و تمجید خدمات جماعتی وی

سیرت و زندگینامہ حضرت ابو حذیفہ بن عتبہ رضی اللہ عنہ رفیق بدری رسول اللہ ﷺ . ایشان در ہر دو مہاجرت حبشہ و مدینہ شرکت کردند.

حضور انور فرمودند: صحابی ای کہ امروز ذکر خیرش می شود، نامش حضرت ابو حذیفہ بن عتبہ است. کنیہ اش ابو حذیفہ و نامش حشیم، ہاشم، قیس حسل و مقصم تعریف می شود. مادرش، ام صفوان بود کہ فاطمہ دختر صفوان نام داشت. حضرت حذیفہ قبلند و خوش قیافہ بود و قبل از وارد شدن حضرت پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و سلم بہ دار ارقم اسلام آورد و از مسلمانان ابتدایی بود. حضرت میرزا بشیر احمد با ذکر خیرش نوشتہ است: ابو حذیفہ بن عتبہ از بنی امیہ بود و نام پدرش عتبہ بن ربیعہ بود کہ از سرداران قریش بود. حضرت حذیفہ در ہر دو مہاجرتی کہ بہ طرف حبشہ بہ عمل آمد، شرکت کردہ بود و ہمسرش حضرت سہلہ دختر سہیل نیز بہ ہمراہش مہاجرت کردہ بود. حضرت مرزا بشیر احمد می نویسد: زمانی کہ آزار و اذیت قریش بہ

مسلمانان به منتها رسید و آنها در دشمنی خود بی‌نهایت پیش رفتند آنگاه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به مسلمانان فرمودند: به طرف حبشه مهاجرت کنند و فرمودند: پادشاه آنجا، عادل و عدالت‌گستر است و در حکومتش به کسی ظلم نمی‌شود. در آن دوران، در حبشه دولت قوی مسیحی حاکم بود و پادشاه آنجا نجاشی خوانده می‌شد. عرب‌ها با حبشه روابط تجاری داشتند. آن نجاشی که در دوران مسلمانان به حبشه مهاجرت کرده بودند، اصعمه نام داشت که پادشاه عادل و باهوش و قدرتمندی بود. چنانچه طبق فرمان رسول الله صلی الله علیه و سلم وقتی در ماه رجب ۵ نبوی ۱۱ مرد و ۴ زن به سوی حبشه مهاجرت کردند. اسامی افراد معروفشان بدین قرار است: حضرت عثمان بن عفان و همسرش رقیه دختر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم، عبدالرحمان بن عوف، زبیر بن العوام، ابوحنظله بن عتبّه که ذکر خیرش جاری است، وی نیز شامل این اولین کاروان مهاجران به حبشه بود، عثمان بن مظعون، مصعب بن عمیر، ابوسلمی بن عبدالاسد و همسرش ام سلمی. حضور انور درباره هجرت حبشه مشروحاً توصیف کرده که چطور و چرا رخداد. همچنین پس از مدتی وقتی اجازه به هجرت مدینه داده شد آنگاه ابوحنظله و حضرت سالم که غلام آزاد کرده‌اش بود، هر دو به مدینه مهاجرت نمودند. قبلاً اینان به سوی حبشه مهاجرت کرده بودند اما از آنجا بازگشته بودند و هجرت دوم به مدینه نمودند و در آنجا نزد حضرت عباد بن بشر اقامت نمودند. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بین حضرت حذیفه و حضرت عباد بن بشر مواخات یعنی پیمان برادری منعقد نمودند. حضرت ابوحنظله در سریه حضرت عبدالله بن جحش نیز شرکت کرده بود. حضور انور شرح این سریه عبدالله بن جحش را به طور فشرده از کتاب سیرت خاتم النبیین تعریف کردند.

حضور انور فرمودند دربارهٔ ابوحنیفه در روایت این مطلب نیز نقل شده است که در روز غزوه بدر، وی برای رویارویی با پدرش پیشتاز شد، گفتنی است که پدرش مسلمان نبود و به همراه کفار در جنگ شرکت کرده بود، به هر حال، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم مانع او شدند و فرمودند: او را رها کن، کسی دیگر وی را می‌کشد. بگذار کسی دیگر با او بجنگد. . در این جنگ پدر، عمو، برادر و برادرزاده‌اش همه به قتل رسیدند و حضرت حذیفه بسیار صبر و شکیبایی را از خود نشان داد و راضی به رضای خدا بوده و به یاری خدا که در حق حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم شده بود، شکر و سپاس را به جای آورد. یعنی خداوند متعال آن حضرت را فتح و پیروزی داده بود. از حضرت عائشه روایت نقل شده است که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم دستور دادند که کشته‌شدگان مشرک در یک گودالی انداخته شوند. زمانی که طبق دستور حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم مشرکان را در چاهی انداختند، از چهرهٔ حضرت ابوحنیفه علایم کراهت آشکار شد چرا که پدرش نیز بینشان بود و در چاه افکنده شد. آن حضرت به ابوحنیفه فرمودند: ای ابوحنیفه! بخدا قسم، به نظر می‌رسد که این برخورد با پدرت ناراحتت می‌کند. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم این سوال را از حضرت حذیفه پرسیدند. حضرت حذیفه در پاسخ عرض کرد: ای پیامبر خدا، من دربارهٔ فرمان خدا و پیامبرش هیچ شک و تردیدی ندارم در واقع پدرم بسیار صادق و بردبار و صاحب نظر بود آنچه وی پیش خود فکر می‌کرد، همان را درست فکر می‌کرد و بدنیت و بداندیش نبود و من می‌خواستم که قبل از مرگ خداوند متعال وی را به طرف اسلام هدایت کند اما وقتی دیدم که اکنون دیگر آن امکانپذیر نیست و عاقبت او این شد، آنگاه ناراحت شدم. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در حق حضرت ابوحنیفه دعای خیر نمودند. حضرت ابوحنیفه توفیق پیدا کرد به همراه حضرت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در تمام غزوات شرکت کند و در دوران خلافت حضرت ابوبکر در اثنای جنگ یمامه در سن ۵۳ یا ۵۴ سالگی به شهادت رسید. حضور انور پرفسور حضرت سعود احمد خان دهلوی بزرگوار و محترم خادم قدیمی جماعت را ذکر خیر کرده که به تاریخ ۲۱ ژانویه ۲۰۱۹ م وفات یافت فرمود پدرش حضرت محمد حسن احسان دهلوی، صحابی حضرت مسیح موعود علیه السلام بود. همین‌طور پدر بزرگش، حضرت محمود حسن خان معلم پتیاله نیز صحابی حضرت مسیح موعود علیه السلام بود. و در فهرست اصحاب ۳۱۳ شامل بودند. پرفسور سعود خان در ماه آوریل ۱۹۴۵ زندگی خود را وقف کرد. وی مدرک کارشناسی در رشته فارسی داشت. وی از ژوئن ۱۹۴۶ الی اکتبر ۱۹۴۹ در مدرسه تعلیم الاسلام هائی سکول قادیان تدریس نمود و برای چند ماه از اکتبر ۱۹۴۹ در جامعه احمدیه به عنوان پرفسور زبان انگلیسی مسئولیت تدریس را انجام داد. حضرت خلیفه المسیح الثانی رضی الله عنه در ۱۹۵۰ وی را جهت انجام خدمات دینی به غنا افریقای غربی اعزام فرمودند. وی اولین نایب مدیر مدرسه احمدی سیکندری سکول غنا بود. در ۱۹۵۰ هشت مبلغ به طرف افریقای شرقی و غربی و هلند فرستاده شده بودند، در تاریخ احمدیت در فهرست اسامی این مبلغان نامش اول از همه قرار دارد. وی به دستور حضرت مصلح موعود رضی الله عنه در ۱۹۵۸ به پاکستان بازگشت و در اثنای اقامت در پاکستان از دانشگاه پنجاب مدرک کارشناسی ارشد در رشته تاریخ گرفت. در ماه اوت ۱۹۵۵ پدرش محمد حسن احسان دهلوی درگذشت اما در آن زمان وی در غنا بود. در سال ۱۹۶۱ دوباره به غنا اعزام شد و تا ۱۹۶۸ در آنجا خدمات دینی به جای آورد. وقتی در جلسه سالانه سیستم ترجمه فعال شد، وی توفیق یافت سخنرانی‌های حضرت خلیفه المسیح الثالث رحمه الله تعالی را به زبان انگلیسی ترجمه کند و تا آخرین جلسه سالانه ربوه وی این

مسئولیت را انجام می‌داده است. پس از بازگشت به پاکستان در ۱۹۶۸ حضرت خلیفه‌  
المسیح الثالث به وی در ۱۹۶۹ مسئولیت تدریس در تعلیم الاسلام کالج سپردند.  
حضرت خلیفه‌المسیح الرابع رحمه الله تعالی آقای پروفیسور سعود خان را در جامعه  
احمدیه برای یک سال استاد زبان انگلیسی منصوب نمودند. در دوم مارس ۱۹۸۷  
تدریس در جامعه احمدیه را آغازید و تا یک سال در آنجا خدمت کرد. دربارهٔ پروفیسور  
سعود خان دهلوی، برادر ارشدش مسعود خان دهلوی که مدیر روزنامه الفضل نیز بود و  
چند سال پیش درگذشته، می‌گفت: برادرما، سعود احمد، کتابخانهٔ متحرک بود یعنی  
اطلاعات بسیار زیادی داشت. بسیار شخصیت علمی بود. وی بزرگواری بی‌نهایت حلیم و  
بردبار و متواضع و عالم متبحر و عبادتکار و شب‌زنده‌دار بود. وی به مهمانان بی‌نهایت  
احترام می‌گذاشت و انسان متواضعی و متقی و متوکل به خدا و پارسا و انسان  
بی‌آلایشی بود. وفاداری و احساس خدمت دینی‌اش برای تمام افرادِ وقفِ زندگی، نمونه  
و الگو است. حیا نیز در زندگی‌اش بسیار برجسته بود. بینهایت سعی کار و عالم فوق  
العاده بود. وی در بازماندگان خود، یک دختر و دو پسر به یادگار گذاشته است. پسرش  
سعد سعود به عنوان صدر جماعت محلی بریتانیا خدمت می‌کند. وی با خلافت بسیار  
رابطهٔ عشق و اطاعت را داشت و در آن به سطح بسیار بلندی قرار داشت. خداوند متعال  
اولادش و نسلش را نیز توفیق دهد که همیشه به خلافت و نظام جماعت مرتبط باشند  
و همواره درجاتش را رفیعت‌تر گردانند. پس از نماز، نماز میت غایبش را اقامه می‌کنم.